

بسم الله الرحمن الرحيم

(ترجمه)

پیروزی به اصطلاح قاطع ترامپ در ایران، بهانه‌های حکام روبیضه را برملا می‌سازد

خبر:

ترامپ روز پنج‌شنبه اعلام کرد که عملیات نظامی امریکا علیه ایران، بسیار جلوتر از جدول زمانی تعیین شده پیش می‌رود. وی در نخستین نشست کابینه پس از آغاز جنگ در تاریخ ۲۸ فبروری گفت: «ما پیش‌بینی کرده بودیم که مأموریت ما میان چهار تا شش هفته به طول انجامد، اما تنها پس از ۲۶ روز، بسیار بسیار جلوتر از جدول زمانی تعیین شده قرار داریم.»

ترامپ همچنان تأکید کرد که «این آنان هستند که برای رسیدن به توافق التماس می‌کنند، نه من.» و در اشاره به ایران افزود که این کشور در رؤیای برقراری آتش‌بس به سر می‌برد.

در مقابل، مقام‌های ایرانی هرگونه مذاکره با ایالات متحده را رد کرده و ادعا نمودند که «چنین مذاکراتی نه در گذشته وجود داشته و نه اکنون وجود دارد.»

از سوی دیگر، استیو ویتکوف، نماینده ویژه امریکا، اظهار داشت که «نشانه‌های جدی» برای دستیابی به توافق با ایران وجود دارد. به گفته وی، واشنگتن طرحی ۱۵ ماده‌ای را از طریق پاکستان به تهران منتقل کرده است. (المصدر)

تبصره:

نشست اخیر کابینه امریکا چیزی جز نشانه‌ای از ناتوانی امریکا نیست. در واقع، ما با وضعیتی روبه‌رو هستیم که در آن قدرت بزرگ و پیش‌تاز جهان، خود را در بن‌بست یافته و در نتیجه مداخله نظامی‌اش در یک سرزمین اسلامی، به نوعی گروگان این وضعیت شده است.

تقریباً تمامی اظهاراتی که ترامپ در این نشست مطرح کرده، نشان‌دهنده ناتوانی و سردرگمی او در برابر وضعیت موجود است.

پس از آن‌که ترامپ ادعا کرد ایران خواهان آتش‌بس است، مقام‌های سپاه پاسداران این ادعا را رد کرده و اعلام نمودند که رئیس‌جمهور امریکا در واقع با خودش مذاکره می‌کند.

جالب آنکه در همین نشست، استیو ویتکاف، فرستاده امریکا در امور خاورمیانه، با سخنان خود عملاً سخنان ترامپ را تکذیب کرد؛ زیرا در بین این دو سخن: «التماس ایران برای آتش‌بس» و «وجود نشانه‌های جدی برای توافق» ناهماهنگی آشکاری وجود دارد.

سپس ترامپ، در حالی که با اضطراب صفحات سخنرانی‌اش را ورق می‌زد، خطاب به اعضای ناتو گفت: «به همین دلیل من از ناتو بسیار ناامید هستم؛ زیرا این یک آزمون واقعی برای آن بود. شما می‌توانید به ما کمک کنید. مجبور نیستید، اما اگر چنین نکنید، ما فراموش نخواهیم کرد. چند ماه بعد این را به یاد خواهید آورد. سخنان مرا خوب به خاطر بسپارید.»

در این جا این پرسش به میان می‌آید: اگر شما واقعاً در ایران به «پیروزی قاطع» دست یافته‌اید، پس چرا برای مقابله با این تهدیدات، دست به دامان ناتو شده و از آن طلب کمک می‌کنید؟! برای هر کس واضح و است که هیچ‌گاه کسی که به پیروزی رسیده، اجازه نمی‌دهد دیگران در مراحل پایانی وارد شوند؛ زیرا این امر او را ناگزیر می‌سازد تا ثمره پیروزی‌ای را که گمان می‌رود تضمین شده است، با دیگران تقسیم کند.

اما در مورد ادعای «پیشرفت عملیات پیش از موعد تعیین شده»، باید گفت که این گونه اظهارات را بارها از زبان دوست ترامپ، رئیس جمهور روسیه ولادیمیر پوتین نیز شنیده ایم؛ جایی که نمایندگان او نیز بارها از پیشرفت ارتش روسیه در اوکراین سخن گفته اند.

امروز می توان با اطمینان گفت که ماشین نظامی امریکا، پیش از موعد، در باتلاق ایران فرو رفته است.

در این جا شایسته است به گونه جداگانه به درس هایی اشاره شود که حکام روبیضه در سرزمین های اسلامی باید از این وضعیت بیاموزند؛ همان کسانی که همواره ملت های شان را چنین قناعت می دهند که هیچ بدیلی جز تسلیم کامل در برابر امریکا، چه در سیاست خارجی و چه در امور داخلی کشورشان وجود ندارد.

نظام ایران، که برای دهه ها به امریکا در تحقق منافعش در خاورمیانه، عراق، افغانستان، لبنان و سوریه کمک کرده بود، به محض آن که دیگر برای امریکا ضرورتی نداشت، به زباله دان تاریخ افکنده شد. همان گونه که روبیضه های حاکم در ایران کنار زده شدند، شما نیز زمانی که منافع تان برای اربابان تان پایان یابد، به سادگی جایگزین خواهید شد.

نمونه تنها به ایران محدود نمی شود. در پاکستان، دو مزدور امریکا، نواز شریف و پرویز مشرف، سال ها با یکدیگر در رقابت بودند تا رضایت امریکا را به دست آورند. در مصر نیز رهبران ارتش، به دستور امریکا، حسنی مبارک را کنار زدند، زمانی که حضور او به تهدیدی برای منافع آن بدل شد.

همچنان بشار اسد، با وجود همکاری های طولانی اش با امریکا، امروز روزگار خود را در روسیه سپری می کند. اکنون احمد الشرع به عنوان نگهبان جدید منافع امریکا در سوریه مطرح شده، بی آن که از سرنوشت خاندان اسد عبرت گرفته باشد.

به یاد داشته باشید که امت اسلامی خیانت های شما را به خوبی درک می کند؛ هرچند که از دفاع از منافع آن سخن بگویید، از حمایت از اهل فلسطین دم بزنید و در مساجد با صوت زیبا قرآن تلاوت کنید و در محافل خود به آیات و احادیث استناد نمایید.

افزون بر این، آنچه امروز در ایران رخ می دهد، بهانه های کهنه حکام روبیضه در سرزمین های اسلامی را برملا می سازد؛ همان بهانه هایی که بر اساس آن ادعا می کنند امت اسلامی توانایی حاکمیت به اسلام و ایستادگی در برابر فشارهای امریکا را ندارد.

نظام ایران، که به روشنی یک نظام اسلامی نیست، بلکه نظام استبدادی است، زمانی که خطر وابستگی به امریکا را درک کرد، از سیاست جلب رضایت آن فاصله گرفت و به نشان دادن نوعی مقاومت واقعی آغاز نمود. نتیجه امروز آن است که امریکا عملاً برای جلب کمک، به متحدان خود در ناتو روی آورده و حتی برای کشاندن رهبری ایران به میز مذاکره، دست به التماس زده است.

اگر ده کشور قدرتمند اسلامی در خاورمیانه از لحاظ نظامی، از جمله ایران، را در نظر بگیریم، خواهیم دید که توان ایران از نظر نیروی انسانی، به یک چهارم نمی رسد، از نگاه مصارف بودجه نظامی تنها حدود شش درصد را تشکیل می دهد و از لحاظ تعداد طیارات جنگی نیز در حد یک دهم است.

از همین رو، تجاوز امریکا بر ایران، بطلان این ادعای رایج را آشکار می سازد که گویا حکام کشورهای چون ترکیه، مصر و پاکستان اگر از سلطه امریکا بیرون شوند و به گونه کامل اسلام را تطبیق کنند، دوام نخواهند آورد.

آنچه امروز در ایران جریان دارد، هرچند برای مسلمانان آن سرزمین یک فاجعه است، اما حقایق مهی را نیز آشکار ساخته است؛ حقایقی که بدون درک آن ها، برپای دین الله سبحانه و تعالی در سرزمین های اسلامی ممکن نخواهد بود:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَى﴾

ترجمه: بی‌گمان در این، عبرتی است برای کسی که می‌ترسد.

نویسنده: فضل‌آمزی ایف

9 شوال 1447 ه.ق.

3 اپریل 2026 م.

مترجم: طه خالد